

# ضمن شرح دروز و الحاکم بامر الله اشاره بعلى اللهی ها فرموده‌اند

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



ضمن شرح دروز و الحاکم بامر الله اشاره بعلى اللهی ها فرموده‌اند ... , حضرت عبدالبهاء ,

محاضرات جلد ۱ صفح ۱۸۷

.. فرموده‌اند

الحاکم بامر الله موسس فرقه درزی ششم خلیفه فاطمی است ولی درزی لقب یکی از تلامیذ الحاکم است که ایرانی بود درزی یعنی خیاط این شخص نفوذی داشته و در داعیه و کارهای الحاکم مساعدت داشته ولی اخیرا الحاکم او را طرد و لعن کرد و از پیش خود دور نمود و درزیه‌ها از او منزجر حتی اسم درزی را دوست ندارند و خود را موحدین میگویند و درزی در جنگهای چنگیزخان کشته شد اساس عقاید آنها بر این آیه قرآنتست که کراب بقیعة یحسبه الظمان ماء حتی اذا جائه لم یجدہ شئیا یعنی میگویند الحاکم بامر الله از دور تصور میشد که دارای اصالت جسمانیه است چون نزدیک میشدی جز تمثال نبود انسان در آئینه شکلی می بیند ولی حقیقت ندارد تمثالیست نه تجسد حضرات مسیحیان معتقد بتجسد هستند ولی درزیه‌ها مثالی هستند مثلا انسان از دور آب می بیند ولی چون نزدیک گردید جزو هوا میشود حقیقتی ندارد بهمین قسم انسان در حاکم بامر الله دورجسمانیت وصفات آنرا میبیند ولی چون نزدیک شود بغیر ازصفات الهی نمیبیند بحدیکه الحاکم بامر الله اگر چه طفل داشت ولی میگویند اولاد نداشت سلب تناسل از او مینمایند او مقدس از تناسل و توالد بوده است اینها سه مقام دارند مقام تشریح و تنزیل مقام تاویل و مقام توحید مقام تنزیلرا میگویند سنی‌ها هستند مقام تاویل شیعه‌ها و مقام توحید خود درزی‌ها هستند چنانکه بادام یک قشر خشنی دارد آن مقام تنزیل است و یکقشر لطیفی دارد آن مقام تاویل است و یکمقام توحید است و آن درزی‌ها هستند که اصل لبو مغزند تفاوت اینها با علی اللهی و نصیریه‌ها آن است که اینها معتقدند که الحاکم بامر الله دارای مقام الوهیت است و آنها حضرت امیر المومنین را چنانچه نصیریه‌ها راضی نمیشوند که بگویند حسین اولاد علی بوده‌اند و یا علی دارای اکل و شرب بود میگویند این صفات بشر بوده چنین بنظر آمده ولی در اصل اینطور نبوده الحاکم بامر الله شخص غدار و ظالم خونریزی بود یقوت مسیحیان و یهودیان را طلبید گفت شما کی منتظر آمدن مظهر ظهور هستید گفتند صد سال دیگر آخر اصرار زیاد نمود گفتند چهار صد سال گفت چهار صدسال گذشت ولی ایمان نیاوردید بعد قرار گذاشت یک صلیب یکرطلی مسیحیان بگردنشان بیندازند و یکجفت گوشواره صد درمی بگوشهای یهودیان بنمایند آن یهودیه‌های بیچاره با این بار سنگین در کوچه‌ها راه میرفتند گوششان پاره میشد دوباره سوراخ نموده آویزان میکردند یقوت یک یهودیرا گرفتند دیدند همه گوشش پاره شده دیگر جای سوراخ کردن نمانده بود . آخر خواهرش او را کشت سوار حمار شده بیرون رفته بود بعد خر تنها



ORIGINAL

برگشت تجسس کردند پیراهن خونین او را بدست آوردند معلوم شده همشیره اش در خون او شریک بوده بعهد او سلطنت کرد تا پسرش بزرگ شد و عمه اش را کشت باین دلیل حضرات درزیها میگویند الحاکم بامر الله مثالی بود بنظر ما میآمد و چون وقت ظهورش به انقضا رسید از دیده ما مثل شکل در آینه غیب شد میگویند آن حقیقت الوهیت تمثیل پیدا کرد تجسد پیدا نمود مثل اعتقاد نصاری چون حقیقت جسد نقص است محدود در این عالم است تمثیل کرد برای الفت فقط ..... انتی .